



ملالہ یوسف زی کراسکوٹ شبنم حیدری پور



ناسرخیلی متفاوت کتابهای کودک و نوجوان!

سرشناسه: یوسفزی، ملاله، ۱۹۹۷ - Yousafza, Malala  
عنوان و نام پدیدآور: ملاله و مداد جادویی/ نویسنده ملاله یوسفزی؛ [تصویرگر کراسکوت]؛ مترجم شبنم حیدری پور.  
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۷.  
مشخصات ظاهری: ۳۹ ص.: مصور (رنگی).  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۲۸۳-۷  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا  
یادداشت: عنوان اصلی: Malala's magic pencil, c 2017.  
یادداشت: گروه سنی: ب، ج.  
موضوع: یوسفزی، ملاله، ۱۹۹۷ - م. -- داستان  
موضوع: Yousafza, Malala -- Fiction  
موضوع: دختران -- پاکستان -- خشونت علیه  
موضوع: Girls -- Violence against -- Pakistan  
موضوع: دختران -- پاکستان -- آموزش و پرورش  
موضوع: Girls -- Education -- Pakistan  
شناسه‌ی افزوده: کراسکوت، ۱۹۷۵ - م.، تصویرگر  
شناسه‌ی افزوده: Kerascoët  
شناسه‌ی افزوده: حیدری پور، شبنم، ۱۳۶۹ -، مترجم  
رده‌بندی دیوپی: ۱۳۹۷ م ۸۴ ی ۸۴۰۹۵۹۱ / ۱۳۷۱/۸۲۰۹۵۹۱  
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۱۴۸۰۹۹



انتشارات پرتقال  
ملاله و مداد جادویی  
نویسنده: ملاله یوسفزی  
تصویرگر: کراسکوئت  
مترجم: شبنم حیدری پور  
مدیر هنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب پور  
طراح جلد نسخه‌ی فارسی: نیلوفر مرادی  
آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال/ مهدیه عصارزاده - سحر احدی  
مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۲۸۳-۷  
نوبت چاپ: اول - ۹۷  
تیراژ: ۵۰۰ نسخه  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: اندیشه‌ی برتر  
قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com



برای همه‌ی دختران شجاع





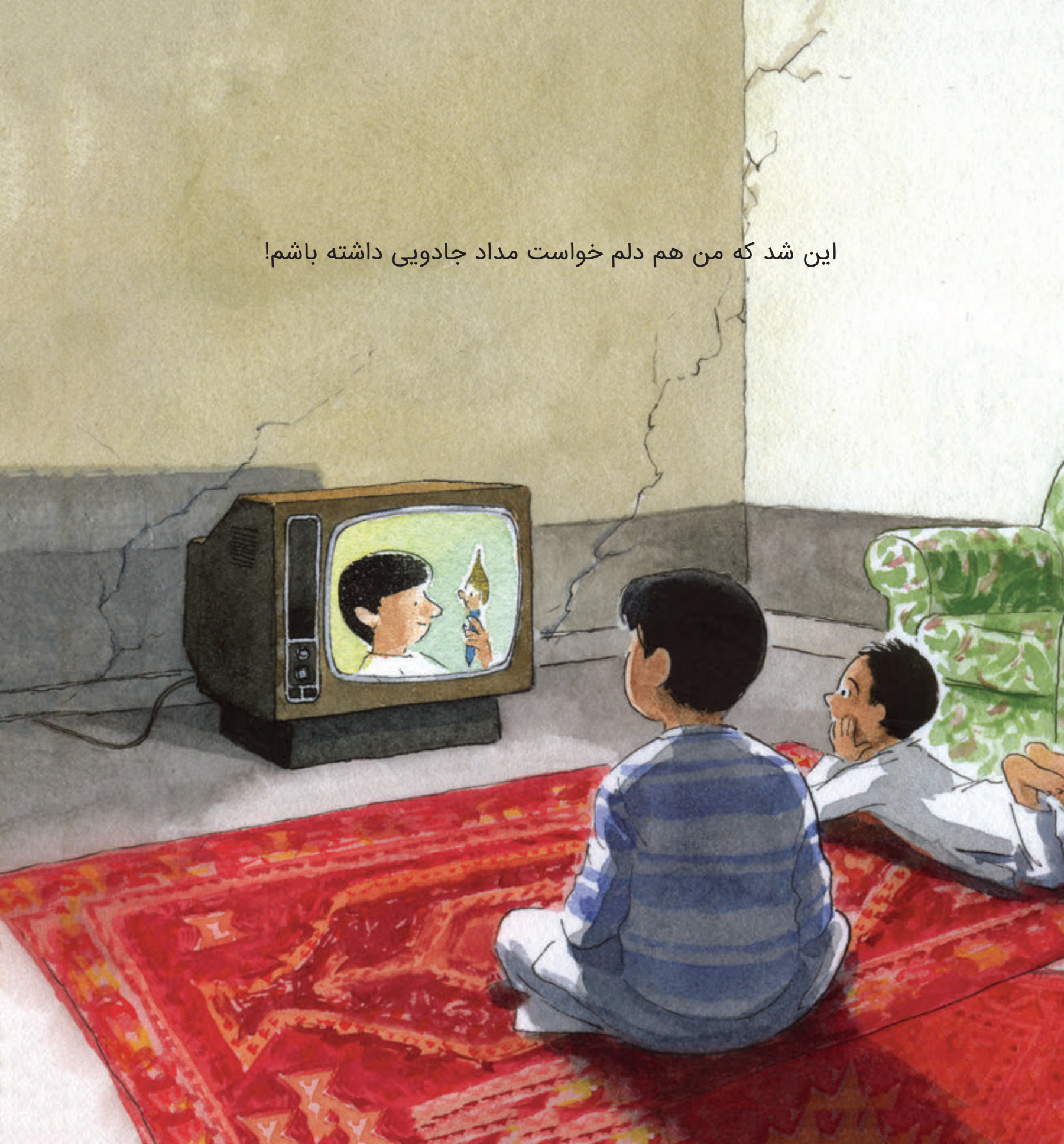
تو جادو را باور داری؟



کوچک‌تر که بودم، می‌نشستم پای یک برنامه‌ی تلویزیونی  
درباره‌ی پسری که مداد جادویی داشت. اگر پسرک گرسنه‌اش بود،  
یک کاسه خوراکیِ کاری می‌کشید و کاسه ظاهر می‌شد.  
اگر با دوست‌هایش در خطر بود، مأمور پلیس می‌کشید.  
پسرک قهرمان کوچولویی بود که همیشه از آدم‌هایی  
که به کمک احتیاج داشتند، مراقبت می‌کرد.



این شد که من هم دلم خواست مداد جادویی داشته باشم!



اگر من مداد جادویی داشتم...

روی درِ اتاقم یک قفل می‌کشیدم  
تا برادرهایم نتوانند اذیتم کنند.



... زمان را نگه می‌داشتم تا هر روز  
صبح بتوانم یک ساعت بیشتر بخوابم.





... بوی بد کپهی زباله‌های نزدیک خانه‌مان را پاک می‌کردم.

و ازش استفاده می‌کردم تا دیگران را خوش‌حال کنم.  
مثلاً...



... قشنگ‌ترین پیراهن‌های دنیا را  
برای مادرم می‌کشیدم.



... بهترین ساختمان‌ها را برای پدرم می‌کشیدم که بتواند یک‌عالمه مدرسه  
باز کند تا بچه‌ها بتوانند مجانی درس بخوانند.



یک توپ درست و حسابی می‌کشیدم تا من و برادرهایم دیگر مجبور  
نباشیم با جوراب کهنه‌ای که تویش پر از آشغال است، بازی کنیم.

هر شب قبل از این که بروم توی رختخواب،  
برای خودم یک مداد جادویی  
آرزو می‌کردم.

